

دریچه

میراث استعماری گذشته گریانگیر فرانسه

● بی‌تردید علل دخالت نظامی فرانسه در یک جنگ جدید در قاره سیاه می‌تواند کنج‌کاوی‌های زیادی را برانگیزد. به ویژه اینکه فرانسوا اولاند رییس‌جمهوری سوسیالیست فرانسه کسی بود که با تأکید بر صلح، وارد کاخ الیزه شد و در همان ابتدا بر خروج سربازان فرانسوی از افغانستان پافشاری می‌کرد. حتی در گذشته فرانسه از کمک‌رسانی به دولت آفریقای مرکزی در برابر پیشروی شورشیان امتناع کرده بود، اما حالا در کنار مالی وارد جنگی شده است که هزینه زیادی را به‌خصوص در این شرایط سخت اقتصادی بر فرانسه تحمیل خواهد کرد.

فرانسه ابتدا دخالت نظامی خود را با حمله به یک گروه تروریست در شمال مالی آغاز کرد و سپس به دنبال آن چندروز بعد پیشروی نیروهای زمینی خود را اعلام کرد. فرانسوا اولاند بارها در اظهارات خود گفت که این دخالت به دلیل تمایل یک دولت دوست و در چارچوب قوانین بین‌المللی صورت گرفته است. وی همچنین اشاره کرد که هدف فرانسه از دخالت نظامی‌اش از بین‌بردن گروه‌های افراطی و تندرو بوده تا وحدت مالی را به این کشور بازگرداند.

واقعیت امر اما این است که دخالت نظامی

اولاند در مالی اکملا غفلانگه‌رانه بود؛ زیرا او بارها در

سیاست‌ها و برنامه‌هایش گفته بود فرانسه تصمیم دارد از هرگونه دخالت نظامی که موجب ریخته

شدن خون شهروندانش نشود پرهیز کند. نکته

عجیب‌تر اینکه تمام گروه‌های مخالف در فرانسه با

گرایش‌های متفاوت خود از تصمیم اولاند حمایت

کردند. حتی ماری لوین رهبر جریان راست‌تندرو

تا آنجا پیش رفت که دخالت نظامی فرانسه در

مالی را امری «مشروع» توصیف کرد و گفت باید از

رییس‌جمهوری مدام که در چارچوب همکاری‌های

دفاعی عمل می‌کند پشتیبانی کنیم. لازم به ذکر

است که مالی یکی از کشورهای عضو ائتلاف فرانسه

(فرانکفونی)به‌شمار می‌رود.

دخالت نظامی فرانسه در مالی از حمایت

اجتماعی این کشور نیز برخوردار بود به گونه‌ای

که نظر سنجی‌های به عمل آمده نشان می‌داد که

اکثر فرانسوی‌ها از این اقدام پشتیبانی کرده و تنها

جان‌لاک ملینچون رهبر جبهه چپ فرانسه تأکید

کرد جنگ در مالی می‌تواند روزانه میلیون‌ها یورو

برای فرانسه هزینه داشته باشد.

در یک نگرش تحلیلی باید گفت فرانسه

سال‌هاست که از ضربه‌های گروه‌های تروریستی

در خارج از کشورش رنج می‌برد. بارها تاکنون اتباع

این کشور در جاهای دیگر روده شده یا به دست

گروگان‌گیران کشته شده‌اند. در داخل فرانسه

نیز، گروه‌های اسلام‌گرای جهادی همچنان جوانان

را تحت‌تأثیر قرار داده و به اردوگاه‌های جهاد

فرامی‌خوانند. مسأله‌ای که فرانسه را هم مانند سایر

کشورهای غربی نسبت به مخاطرات تروریسم نگران

می‌سازد. ناظران آگاه به امور فرانسه و کشورهای

آفریقای می‌گویند کشور مالی درحال حاضر به دو

منطقه ضدهمدیگر تقسیم شده‌است. یکی منطقه‌ای

که تحت سیطره دولت مرکزی قرار دارد و دیگری

منطقه‌ای که تحت سیطره گروه‌های تروریستی و

تاجران موادمخدر قرار گرفته‌است و فی‌نفسه تهدیدی

برای موریتانی خواهد بود؛ زیرا راهی سهل‌الوصول را

برای ورود تروریست‌ها به این کشور در اختیار آنان

قرار می‌دهد. فرانسه در گذشته از سوی الجزایر و

موریتانی به شدت مورد انتقاد قرار می‌گرفت که

چرا سیاست دوگانگی را در قبال مبارزه با تروریسم

اتخاذ کرده است؛ زیرا از یک طرف از دولت مراکش

و ساحل آفریقا می‌خواهد با تمام توان در این مبارزه

شرکت کنند و از سوی دیگر خود با تروریست‌ها به

چانه‌زنی پرداخته و به اشکال گوناگون با آنها معامله

می‌کند. برای مثال فشاری که فرانسه بر دولت

مالی آورد تا در مقابل عملیات کسج‌دار و دوزخ‌آلود وقتی

گروگان‌هایش در سال ۲۰۰۹ شد، چند اسلام‌گرای

تندرو را آزاد کند.

دخالت نظامی فرانسه در مالی که با کمک الجزایر

و استفاده از آسمان این کشور مهیا شد، رابطه دو

کشور را در مسیر تازه‌ای انداخت. روابط فرانسه و

الجزایر برای یک دوره طولانی کسج‌دار و دوزخ‌آلود وقتی

می‌شد اما حمله تروریستی‌ها به یک تالیسبات گازی

در الجزایر که به تلافی عملیات نظامی فرانسه در مالی

صورت گرفت روابط این دو کشور را یکبار دیگر به

هم نزدیک کرد. فرانسه که برای یک دوران طولانی

درگیر استعمار در قاره آفریقا بود، هنوز پایگاه‌های

نظامی زیادی در آفریقای مرکزی دارد. اولاند وقتی

نظامیان خود را به مالی فرستاد گفت: مأموریت آنان

تنهاحمایت از دولت نیست، بلکه فرانسه برای حمایت

از شهروندان و منافعش در آنجا مستقر شده‌است. وی

افزود: دوران استعمار به پایان رسیده است و فرانسه

نمی‌تواند مانند گذشته نظامی را برداشته یا نظام

دیگسری را جایگزین آن کند. خلاصه اینکه کابوس

دوران استعمار همچنان فرانسه را تحت تعقیب قرار

داده و با خود مشغول کرده‌است. دخالت‌های سیاسی

و نظامی این کشور در گذشته موجب عقب‌ماندگی

کشورهای آفریقای شد. میراثی که فرانسه پس از

خود برای این قاره گذاشت چیزی جز فقر و جهل

نبرد و همین‌هاست که در نهایت قاره سبیه را به

سرمزمنی حاصلخیز برای رشد تروریسم و قاچاق

موادمخدر تبدیل کرده‌است. گروه‌های تروریستی در

مالی بخشی از این میراث گذشته است که اکنون

پیامدهایش دوباره به فرانسه بازمی‌گردد.

منبع: **الاهرام**



آنها برای انجام کار فی‌نفسه نوعی تجارت انسانی به شمار می‌رود، حتی اگر اعمال خشونت‌آمیز یا حلیه‌گرگانه‌ای نیز درمورد آنها صورت نگرفته باشد. در واقع نفس استثمار آنها به تجارت بشری در کشور پرده برداشت. گفته می‌شود واسطه‌ها ابتدا در مقابل دریافت مبالغی معین شهروندان متمایل به مهاجرت را به کشورهای دیگر می‌آوردند و سپس از سودان به جایی دیگر ارسال می‌کنند. دزموند توتو، کشیش آفریقای جنوبی و رفیق نلسون ماندلا رهبر اسطوره‌ای این کشور و برنده جایزه نوبل صلح سال ۱۹۸۴ یکبار گفته بود «وجود بردگان در دوران کنونی ما امری غیرقابل باور است. هیچ کس تصورش را هم نمی‌کند که درجهان متمدن کنونی هستند بردگانی که در بین ما زندگی می‌کنند.» مساله تجارت بشری یک پدیده اجتماعی، اقتصادی است اما گاه در کشورهای که این تجارت رونق بیشتری دارد موضوع ابعاد سیاسی آشکاری به خود می‌گیرد. شاید زمان آن رسیده باشد که در سخن الکسیس توکوویل متفکر و سیاستمدار و تاریخ‌نگار فرانسوی تجدیدنظر شود. او نیز روزگاری گفته بود: «لقو تجارت بردگان تصمیمی بی‌ظنیر در تاریخ جهان است. تاریخ بشریت دستاوردی بزرگ‌تر از این نداشته‌است.» این حرف‌ها به زمان قبل از او (یعنی ۱۸۰۱) و ماجرای تحریم بین‌المللی تجارت بردگان در سال ۱۷۹۲ برمی‌گردد. غافل از اینکه تجارت بردگان همچنان به اشکال گوناگون استمرار داشته‌است.

برده‌داری

براساس نظر سازمان بین‌المللی ضد برده‌داری، لازم‌ه

تجارت انسانی یا چنان‌که ادبیات سیاسی امروز آن را

«بردگی معاصر» یا «بردگی قرن بیست و یکم» توصیف

می‌کند این است که افرادی به نیرنگ یا خشونت یا اکراه

به دلیل اهدافی نظیر کار اجباری یا بردگی یا اعمالی که

شبیه بردگی است نقل و انتقال داده شوند. تجارت کودکان

گاه نیازمند چنین شرایطی نیست و بهره‌برداری صرف از



شده و روزبه‌روز توسعه پیدا کند. یکی دیگر از عواملی که

موجب می‌شود تا سودان به گذرگاهی برای تجارت بشری

تبدیل شود، طول ساحل این کشور در دریای احمر است

که به حدود ۷۰۰ کیلومتر می‌رسد. پیش از این نیروهای

دریایی سودان مأموریت داشت تا امنیت این سواحل را

سایر اشکال اجبار استفاده می‌کنند تا قربانیان‌شان را وادار

به کاری برخلاف میل و اراده‌شان کنند و به این ترتیب

آزادی افسراد از نظر رفت‌وآمد یا انجام کار بدون‌مزد یا با

مزد کم، محدود می‌شود. با وجود قدیمی بودن تجارت

بشری، متأسفانه باید گفت در دوران کنونی نیز به دلیل

است تا آنجا که سازمان ملل متحد می‌گوید سومین منبع

درآمد سریعی که دارد به شکل وحشتناکی در حال رشد

است تا آنجا که سازمان ملل متحد می‌گوید سومین منبع

درآمد در جرایم سازمان‌یافته بعد از موادمخدر و اسلحه،

تجارت بشری است. تجارتی که عوامل درهم تنیده‌ای از

جمله فقر، محرومیت، وخامت اوضاع اقتصادی، بیکاری و

نیز حاشیه‌نشینی و تبعیض علیه زنان و عدم ثبات سیاسی

و ضعف قوانینی که نمی‌تواند مجازات‌های بازدارنده‌ای را بر

کسانی اعمال کند که دست به چنین اعمالی می‌زنند، دست

به دست هم داده و زمینه را برای رشد و توسعه این جرایم

سازمان یافته فراهم می‌کند.

گذرگاه سودان

سودان به دلیل موقعیت جغرافیایی‌اش گذرگاه یا

هدفی برای مهاجرت غیرقانونی به ویژه از سوی دولت‌های

آفریقای اسی است. کم‌ا اینکه خود منبعی برای مهاجرت‌های

غیرقانونی شهروندان سودانی به اروپا و اسرائیل با کشورهای

خلیج‌فارس به شمار می‌رود. از این رو مسایل دیگری مانند

وختامت اوضاع اقتصادی و امنیتی، تاثیر جنگ‌ها و منازعات

مسئله‌نه برشهروندان و نیز گسترش پدیده بیکاری بین

جوانان و فساد دامن گستر در نهادهای دولتی به کمک رشد

این پدیده آمده و موجب شده است تا مهاجرت غیرمنظم و

قاچاق انسان درسودان به یک فعالیت تجاری عادی تبدیل

باند‌هایی هستند که این افراد را بازداشت کرده و اعضایشان

را به قصد فروش قطعه‌قطعه می‌کنند. یکبار مجله الاهرام،

چاپ مصر در سال ۲۰۱۲ از فروش تعدادی سودانی در بازار

بردهفروشان‌ی پرده برداشت که در راه لیبی وجود داشت

و انسان‌ها را پس از اسارت تا حد مرگ کتک می‌زدند تا

حاضر به خریدوفروش‌شان شوند. ابتدای رنج این افراد از

همان سودان شروع می‌شود، یعنی جایی که با پرداخت

مبالغی به واسطه، می‌خواهند به کشورهای خارجی

مهاجرت کنند. دلالت آنها را به مصر و سپس به مرزهای

لیبی منتقل می‌کنند.

ضعف قانون

تجارت بشری مخالف تمام ارزش‌های انسانی و دینی

است. این اقدام غیرانسانی یا بسیاری از موازین بین‌المللی

درباره حقوق کودکان و زنان و حقوق کارگران مهاجر

و کار کودکان منافات دارد. همچنین با پندهای صریح

منشور سازمان ملل متحد در رابطه با جرایم سازمان یافته

و ممنوعیت فعالیت قاچاق انسان‌ها همخوانی ندارد. در

بین قوانین بین‌المللی، یک قانون صریح وجود دارد که به

هیچ‌وجه نمی‌توان از آن راه گزینی پیدا کرد. این قانون

می‌گوید: «به بردگی گرفتن انسان‌ها یا برده‌کردن هر فردی

ممنوع است.» تجارت بردگان به هر شکلی ممنوع است. این

ماده چهارم اعلامیه حقوق بشر است. هرچند در بسیاری از

کشورها قوانینی وجود دارد که تجارت بشری را ممنوع کرده

و کمسانی را که مرتکب چنین جرمی شوند، تحت تعقیب

آمده‌است. اما این قوانین در عمل اجرا نمی‌شود. در این

عمل‌ها سوداگران سوداها را به سر کارهای گذشته خود

بازگردند. همچنین عدم کنترل دقیق ورود و خروج غیرقانونی

افراد به سودان این مشکل را پیچیده‌تر می‌کند. در سودان

قانون روشنی برای تعریف تجارت بشری یا جرایم مربوط به

آن وجود دارد. در این‌باره کافی است به قانون سال ۱۹۹۱

عمر شده که در متن آن اعمالی که کرامت انسانی را تقلیل

می‌دهد از جمله آدم‌ربایی و بیگاری گرفتن یا سوءاستفاده از

افراد و قاچاق انسان‌ها اعمالی غیرقانونی توصیف و برایش

مجازات تعیین شده‌است. سال ۲۰۱۲ نیز طرح قانون

جدیدی تهیه شد که یک کارگروه در همکاری با مجلس در

زمینه مبارزه با تجارت بشری تهیه کرد. در این کارگروه که

تحت عنوان «به سوی مهاجرت خردمندانه و جامعه‌ای خالی

از تجارت انسانی» برگزار شده‌بود، اطلاعات خطرناکی درباره

پدیده تجارت بشری و مهاجرت‌های غیرقانونی در سودان

منتشرشد. البته این مواد قانونی و مجازات‌های مربوطه به

نسبت سایر کشورهای جهان ضعیف است؛ زیرا طبق یکی

از مواد این قانون کسی که اقدام به تجارت انسانی کرده

باشد به دست کم ۱۰ (سال زندان یا جریمه نقدی بیش از

۱۰هزار دلار) محکوم می‌شود، یا هر دو محکوم می‌شود.

امروزه سودان درگیر بحران‌های متعددی است که حاصلی

جز فقر و نومیدی در بین شهروندان و وقوع نزاع‌های مرگبار

ناشسته است. باید برای رویارویی با این مشکلات چاره‌ای

اساسی اندیشیده چاره‌ای با ایجاد نهادهای ملی به مقابله

با بیکاری و فقر برخاسته و بتواند یک زندگی شرافتمندانه را

برای نسل‌های آینده فراهم کند.

منبع:الجزیره

گفت‌وگوی سایت شورای روابط خارجی آمریکا با «رضا اصلان» متخصص مذهب و سیاست خارجی:

اسلام سیاسی در منطقه موفق بوده است

ترجمه: مریم جعفری

انقلاب‌ها عمیقاً حضور داشته باشند تا کشمکش‌ها از بین

برود و بی‌ثباتی ادامه پیدا نکند. این شرایط به گروه‌های

مذهبی این فرصت را می‌دهد که کنترل همه امور را در

دست بگیرند.

آمریکا با دولت اخوان المسلمین در مصر، دولت

اسلام‌گراها در لیبی و تونس همکاری می‌کند، چرا

این همکاری با حماس شکل نگرفت؛ گروهی که

سال پیش و قبل از تشکیل این دولت‌ها در انتخابات

پارلمانی اکثریت کرسی‌ها را تصاحب کرد؟

خب نخستین و مهم‌ترین نکته آن است که آمریکا

دیگر نباید از لای‌های حامی اسرائیل که آنان را برای

چنین اقداماتی تنبیه می‌کنند، بترسد. «هوشه دایان» در

جمله مشهوری گفته است که شما با دوستان مذاکره

نمی‌کنید، بلکه با دشمنان‌تان مذاکره می‌کنید. شفاف

بگویم، اسرائیل زمانی که بحث موضوعات امنیتی،

منابع آبی و غیره مطرح می‌شود، در حال مذاکره روزانه

با حماس است. بنا بر این وقتی که به حماس پرسجب

تروریست زد می‌شود، برای آمریکا ممنوع است که با

این گروه در راستای منافع خود و حتی در راستای منافع

اسرائیل صحبت کند. به بلور من، در نهایت این سیاست

خطرناک و شکست‌خورده‌ای است.

تغییر کرده است و اسلام سیاسی به جریانی برای

جنبش‌های اسلامی در منطقه تبدیل شده‌است؛

از این مسأله مهم‌تر آن است که اسلام سیاسی در

منطقه موفق بوده است؛ همان اتفاقی که با حزب «عدالت

و توسعه» در ترکیه روی داد. اکنون فشارهای بیشتری به

گروه‌هایی مانند حماس وارد می‌شود تا دیدگاه‌های خود را

معتدل کنند؛ هرچند که برخی از دولت‌ها هنوز در صحنه

بین‌المللی پذیرفته‌نشده‌اند اما وجود این گروه‌ها برای مردم

به آنان کمک می‌کند که دیدگاه‌های خود را متعادل

کنند. در این شرایط به آنان به عنوان احزاب سیاسی نگاه

می‌شود و این بسیار خوب است. به عبارت دیگر، موفقیت

یعنی میانه‌روی و شکست یعنی بی‌ثبلی. بدون شک این

مسایل برای صلح و شکوفایی در منطقه بهتر است تا ادامه

فشار بر گروه‌های سیاسی. از همین‌رو ایالات متحده و

جهان غرب باید در فرآیند تشکیل دولت‌های پس از

قدرت به فساد منجر می‌شود؛ «رضا اصلان» متخصص

«مذهب و سیاست خارجی» در «شورای روابط خارجی

آمریکا است. او معتقد است که احزاب سیاسی از همان

ابتدا سازمان یافته بودند و به فساد مالی آلوده نشدند،

اما اکنون آنان با چالش‌ی به نام «سکونت‌داری» روبه‌رو

هستند. این متخصص مذهب و سیاست خارجی با زمانه

به این موضوع که این گروه‌ها هر قدر قدرت بیشتری

در اختیار داشته باشند، بیشتر از هم جدا می‌شوند،

مالی آورد تا در مقابل عملیات کسج‌دار و دوزخ‌آلود وقتی

می‌گوید که ایالات متحده آمریکا باید همچنان در فرآیند